

مروری بر مستندات بین‌المللی درباره توانایی‌سنجی^۱

نویسنده: لودگر ووسمن^۲
مترجم: محمدمبین اسپروز

مقاله تأثیرات توانایی‌سنجی را هم از لحاظ سطح عملکرد آموزشی و هم از لحاظ نابرابری در آن بررسی می‌کنیم. به منظور رسیدن به این دو هدف، ابتدا به‌طور خلاصه به تأثیرات طولانی مدت این دو موضوع اشاره خواهیم کرد. اولاً، میانگین سطح عملکرد آموزشی یک جمعیت، قاعدتاً بکی

مقدمه

در کشورهای مختلف، سنی که در آن دانش‌آموزان برای اولین بار توانایی‌سنجی می‌شوند و به مدارس سطح‌بندی شده می‌روند، بسیار متفاوت است. این سن در بیشتر کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ (OECD) حدود ۱۵ تا ۱۶ سال، یعنی پس از کلاس نهم و دهم است. در مقابل، در برخی کشورها از جمله بیشتر بخش‌های آلمان، این توانایی‌سنجی در ۱۰ سالگی انجام می‌گیرد. آیا این تفاوت‌ها تأثیری بر سطح و گستره نتایج آموزشی دارد؟

این مقاله به بررسی مجموعه‌ای از پژوهش‌های تجربی می‌پردازد که در آن‌ها با استفاده از متغیرهای بین‌المللی، تأثیر توانایی‌سنجی بر نتایج تحصیلی دانش‌آموزان براساس میزان موفقیت در آزمون‌های بین‌المللی، بررسی شده است.^۴ همانند سایر ویژگی‌های نظام آموزشی، مقایسه نهادی میان کشورهای برای بررسی تأثیرات توانایی‌سنجی، کاربردی بوده است.^۵

در این مقاله، منظور از توانایی‌سنجی، قرارگیری دانش‌آموزان براساس دستاوردهای آن‌ها به صورت سلسله‌مراتبی در انواع مختلف مدارس است.

از لحاظ نظری، تأثیرات توانایی‌سنجی آموزشی موضوعی بحث‌برانگیز است. از یک سو مدافعان توانایی‌سنجی زود هنگام معتقدند کلاس‌های همگن در داشتن برنامه درسی متمرکز و پیشرفت متناسب، مؤثر است و در نهایت به یادگیری بهینه برای تمامی دانش‌آموزان منجر می‌شود. از سوی دیگر، برخی معتقدند دانش‌آموزان ضعیف‌تر می‌توانند بدون آسیب به یادگیری دانش‌آموزان قوی‌تر، از حضور آن‌ها استفاده کنند. در نتیجه، منتقدان توانایی‌سنجی زود هنگام معتقدند که جداسازی دانش‌آموزان ضعیف‌تر در سن پایین، برای آن‌ها مضر است. از آنجا که مؤلفه‌های بسیاری، از جمله نگرش نسبت به تأثیر هم‌کلاسی، در بحث نظری دخیل‌اند، به این موضوع باید رویکردی تجربی داشت.^۶

در مجموع، نظام‌های آموزشی هم هدف به دست آوردن موفقیت‌های سطح بالا را دارند و هم هدف ایجاد موقعیت یکسان برای تمامی دانش‌آموزان. به همین منظور، ما در این



از تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها در رشد اقتصادی در طولانی مدت است. کشورهایی که در گذشته دانش‌آموزانشان در آزمون‌های شناختی بین‌المللی متعدد موفقیت کسب کرده‌اند، در بلندمدت سرانه رشد تولیدات ناخالص ملی بیشتری داشته‌اند. ثانیاً، توزیع سرمایه اقتصادی به‌طور مستقیم با توزیع عملکرد آموزشی نسبت دارد. در نتیجه، بیشتر نابرابری‌های درآمدی در سطح بین‌المللی را می‌توان به نابرابری در موفقیت‌های آموزشی نسبت داد (Nickell, 2004). میان نابرابری درآمدی و نابرابری در عملکرد آموزشی، ارتباط نزدیکی وجود دارد. در مقابل، میزان حداقل حقوق و تشکیل اتحادیه‌های کارگری تأثیر چندانی در تفاوت‌های بین‌المللی در نابرابری درآمد ندارد.

برای بررسی میزان و چگونگی تأثیر توانایی‌سنجی بر نابرابری و عملکرد آموزشی باید برای آن متغیری تعریف شود. از آنجا که توانایی‌سنجی یک ویژگی ملی است، در این مقاله متغیر بین‌المللی لحاظ خواهد شد. به‌علاوه، شواهد میان-کشوری

با شواهد درون-کشوری در آلمان، که کشوری فدرالی است و توانایی‌سنجی به‌صورت ایالتی انجام می‌شود- مقایسه خواهد شد.

در بخش بعدی، با مقایسه آزمون‌های دانش‌آموزان در پایان ابتدایی و پایان راهنمایی در سطح بین‌المللی، به تحلیل اثرگذاری توانایی‌سنجی زود هنگام بر سطح و توزیع موفقیت دانش‌آموزان خواهیم پرداخت. در دو بخش بعد به جمع‌بندی دو پژوهش می‌پردازیم که در آن کشورهای دارای توانایی‌سنجی زود هنگام و سایر کشورها با هم مقایسه می‌شوند تا مشخص شود آیا پیشینه خانوادگی بر موفقیت دانش‌آموزان اثرگذار است یا خیر- به عبارت دیگر، آیا توانایی‌سنجی منجر به نابرابری در موفقیت تحصیلی می‌شود یا خیر- در یکی از این پژوهش‌ها از نتایج TIMSS و در دیگری از نتایج پیزا استفاده شده است.

در بخش آخر، همین موارد در مورد ایالت‌های آلمان و نسبت آن با وضعیت جهانی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

**کشورهای
که در گذشته
دانش‌آموزانشان
در آزمون‌های
شناختی
بین‌المللی متعدد
موفقیت کسب
کرده‌اند، در
بلندمدت سرانه
رشد تولیدات
ناخالص ملی
بیشتری داشته‌اند**

تأثیر پیشینه خانوادگی بر عملکرد در TIMSS

در آزمون‌های موفقیت‌سنجی ملی و بین‌المللی مشخص شده است که تقریباً بدون استثنا، پیشینه خانوادگی نقش مهمی در عملکرد دانش‌آموز دارد^۸. گستردگی تأثیر خانواده تغییرناپذیر است. همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد، در این مورد تفاوت چشمگیری میان کشورها وجود دارد. اگر تأثیر خانواده را یکی از مؤلفه‌های نابرابری فرصت‌های تحصیلی- که نظام‌های آموزشی

به دانش‌آموزان با پیشینه‌های خانوادگی مختلف ارائه می‌دهند- در نظر بگیریم، کشورها از نظر دستیابی به برابری فرصت‌های تحصیلی با هم متفاوت خواهند بود. در این مقاله (Schuetz, 2008), ارسپرونگ و ووسمن، بر بررسی این موضوع پرداخته شده است که آیا تفاوت‌های بین‌المللی در برابری فرصت‌ها به‌صورت نظام‌مند با سیاست‌های مدارس کشورها در ارتباط است یا خیر.

در این پژوهش، نتایج آزمون بین‌المللی TIMSS در سال ۱۹۹۵ با آزمون مجدد TIMSS- Repeat سال ۱۹۹۹ مقایسه می‌گردد. در این آزمون‌ها عملکرد دانش‌آموزان کلاس هشتم در ریاضیات و علوم طبیعی در ۱۴ سالگی اندازه‌گیری می‌شود. ریز داده‌های بیش از ۳۲۵,۰۰۰ دانش‌آموز در ۵۴ کشور بررسی شده است. در این پژوهش، تعداد کتاب‌های موجود در یک خانه به عنوان شاخص پیشینه اقتصادی و اجتماعی خانواده در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه در خانواده‌های مهاجر مؤلفه‌های بسیاری دخیل‌اند، فقط نسبت پیشینه خانوادگی و



عملکرد دانش آموز در جمعیت غیرمهاجر هر کشور بررسی شده است.

نتایج نشان می‌دهد که در تمامی این کشورها دانش‌آموزانی که پیشینه اقتصادی و اجتماعی بهتری دارند، نسبت به سایرین به صورت معناداری موفقیت بیشتری کسب کرده‌اند.

به علاوه، در زمینه برابری فرصت‌ها نتایج نشانگر تفاوت‌های واضح در کشورهای مختلف است. برای نمونه، آلمان در میان کشورهای عضو OECD رتبه چهارم نابرابری را داراست. در نتیجه، برای آلمان نسبت به سایر کشورها، رابطه قوی میان عملکرد دانش‌آموزان با پیشینه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها وجود دارد. تنها بریتانیا (انگلستان و اسکاتلند) و مجارستان، نسبت به آلمان نابرابری بیشتری دارند. در این پژوهش، فرانسه و کانادا کشورهای هستند که بیشترین برابری را دارند.

چگونه می‌توان تفاوت عمیق کشورهای در برابری فرصت‌ها برای دانش‌آموزان با پیشینه‌های خانوادگی متفاوت را توصیف کرد؟ برای تحلیل تأثیر سیاست‌های آموزشی بر تفاوت‌های موجود در ایجاد فرصت‌های برابر، در این پژوهش میزان نابرابری فرصت‌ها در هر کشور با مشخصه‌های نظام‌مند سیاست‌های آموزشی آن کشور مرتبط دانسته شده است.

این پژوهش نشان می‌دهد که هر چه سن توانایی‌سنجی بیشتر باشد، نابرابری فرصت‌ها به صورت چشمگیری کمتر است. هر چه دانش‌آموزان زودتر در مدارس سطح‌بندی شوند، عملکرد آن‌ها با پیشینه خانوادگی‌شان بیشتر نسبت پیدا می‌کند. برای مثال، اگر توانایی‌سنجی چهار سال به تأخیر بیفتد، تأثیر پیشینه خانوادگی بر نتیجه آزمون یک چهارم میانگین سایر کشورها، کاهش می‌یابد. مقایسه نتایج در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که علاوه بر توانایی‌سنجی در سنین بالاتر، وجود نظام جامعی برای آموزش پیش‌دبستانی نیز در ایجاد فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان با پیشینه‌های متفاوت خانوادگی، مؤثر است.

در این مدل، بررسی رابطه توانایی‌سنجی و میانگین سطح عملکرد نیز ممکن است. ارتباط میان سن آغاز توانایی‌سنجی در یک کشور و میانگین سطح عملکرد، از لحاظ آماری معنادار نیست، اما برآورد نقطه‌ای^{۱۰} در مدل‌های مختلف مثبت و نشانگر این است که سطح عملکرد با توانایی‌سنجی زود هنگام به روند نزولی بیشتر متمایل است تا به روند صعودی.

تأثیر پیشینه خانوادگی بر عملکرد در ۲۰۰۳ پیزا

در پژوهشی دیگر، برای بررسی ارتباط توانایی‌سنجی و برابری فرصت‌ها روند مشابهی طی شده، اما این بار از ریز- داده‌های ۲۰۰۳ پیزا استفاده شده است. در این مقاله با به کارگیری

مؤلفه‌های اقتصادسنجی مقایسه‌ای، به بررسی این موضوع پرداخته شده است که اگر توانایی‌سنجی در سنین پایین صورت گیرد، آیا تأثیر پیشینه خانوادگی بر موفقیت دانش‌آموزان در آزمون ریاضی و علوم در ۱۵ سالگی افزایش می‌یابد. این تحلیل بر مبنای داده‌های ۱۸۰,۰۰۰ دانش‌آموز در ۲۷ کشور است. شاخص موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ESCS) که توسط پیزا جمع‌آوری می‌شود، به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری وضعیت پیشینه خانوادگی لحاظ شده است.^{۱۱}

نتایج کیفی به‌دست آمده توسط داده‌های جایگزین نیز یکی است: ارتباط میان نمره آزمون و پیشینه خانوادگی؛ هر چه توانایی‌سنجی دیرتر رخ دهد، کم‌رنگ‌تر می‌شود. در کشورهای با توانایی‌سنجی زود هنگام، تفاوت عملکرد دانش‌آموزان با پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت، به شکل چشمگیری افزایش می‌یابد.

همان‌طور که در شکل مشهود است، دانش‌آموزانی که پیشینه اجتماعی-اقتصادی پایینی دارند، در کشورهایی که توانایی‌سنجی دیرتر در آن اتفاق می‌افتد، عملکرد بهتری دارند. همچنین، عملکرد دانش‌آموزانی که پیشینه اجتماعی-اقتصادی به نسبت بالایی دارند، حدوداً در یک سطح است. در خصوص میانگین سطح عملکرد در پیزا ۲۰۰۳ نیز (اگرچه نه از لحاظ آماری) تأثیرات کلی توانایی‌سنجی دیرتر مثبت ارزیابی می‌شود.

مقایسه درونی آلمان و مستندات بین‌المللی در پیزا ۲۰۰۳

آیا تحلیل میان-کشوری قابل اعتماد است یا مؤلفه‌های بسیاری مانند تفاوت‌های فرهنگی، زبانی یا پیشینه قانونی در این گونه تحلیل‌ها نادیده گرفته شده است؟ یکی از روش‌های بررسی این موضوع، ارائه تحلیلی درون کشوری است که در آن فرهنگ، زبان و قوانین یکسان، و فقط نظام توانایی‌سنجی متفاوت است در این پژوهش روابط میان توانایی‌سنجی و برابری فرصت در ایالت‌های کشور آلمان بررسی شده است.^{۱۲} با اینکه در سراسر آلمان، توانایی‌سنجی و سطح‌بندی دانش‌آموزان در مدارس مختلف در سنین کم صورت می‌گیرد، میان ایالت‌ها تفاوت‌های کوچکی وجود دارد.

یکی از مزیت‌های پژوهش درون یک کشور این است که عوایج‌های نتایج بین‌المللی از مؤلفه‌های نادیده گرفته شده، مانند تفاوت‌های فرهنگی و عدم تجانس‌ها، در آن وجود ندارد. همچنین پژوهشی برای شرایط آلمان بسیار مناسب است. مشکل این پژوهش، کوچک بودن نمونه آماری به دلیل وجود مشاهدات در ۱۶ ایالت است.^{۱۵} در مقایسه میان ایالت‌ها، گرادیان اجتماعی-اقتصادی موجود در پیزا ۲۰۰۳ آلمان به عنوان معیاری برای بررسی نابرابری فرصت‌ها در نظر گرفته شده است. در حقیقت، این گرادیان نشان می‌دهد دانش‌آموزان

توزیع سرمایه
اقتصادی به‌طور
مستقیم با توزیع
عملکرد آموزشی
نسبت دارد
میان نابرابری
در آمدی و
نابرابری در
عملکرد آموزشی،
ارتباط نزدیکی
وجود دارد



نسبت به پیشینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شان، که در پیزا آمده است، چه عملکردی داشته‌اند. هر چه شیب این گرادیان بیشتر باشد، تأثیر پیشینه خانوادگی بر نتایج آزمون دانش‌آموزان بیشتر است و فراگیر شدن برابری فرصت‌ها کمتر به تحقق پیوسته است. برای داشتن مقایسه‌ای عادلانه میان ایالت‌ها، گرادیان اجتماعی-اقتصادی در یک تحقیق چندمتغیره تنظیم شده است تا ایالت‌هایی با جمعیت ناهمگون (به خصوص دولت-شهرها) و ایالت‌هایی با وضعیت اقتصادی ضعیف- که معمولاً برابری در فرصت‌های تحصیلی در آن‌ها کمتر است- نیز در نظر گرفته شدند.

همانند نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های بین‌المللی، در اینجا نیز تأثیر منفی بر میانگین عملکرد مشاهده نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، هیچ ارتباط آماری معناداری میان میانگین عملکرد و سن اولین توانایی‌سنجی وجود ندارد. حتی برآورد نقطه‌ای، منفی است که نشان می‌دهد توانایی‌سنجی زود هنگام اغلب عملکرد را کاهش می‌دهد تا افزایش. نتایج برای برابری فرصت و همچنین عملکرد تحصیلی، از لحاظ در نظر گرفته شدن متغیرهای کنترل^{۱۶} بسیار مستدل است. پس، مؤلفه‌های موجود برای دولت-شهرها و ایالت‌های شرقی و سایر متغیرها مانند وضعیت سیاسی دولت و یا هزینه‌های نظام آموزشی، نتیجه را تغییر نخواهند داد. در ایالت‌های آلمان نه تنها سن توانایی‌سنجی بلکه تعداد انواع مدرسه‌ای که دانش‌آموزان می‌توانند انتخاب کنند نیز متفاوت است. این تحقیق نشان می‌دهد در سنی که توانایی‌سنجی آغاز می‌شود، میان برابری فرصت و توانایی‌سنجی کمتر رابطه مثبت وجود دارد؛ یعنی در ایالت‌هایی که انواع کمتری مدرسه وجود دارد، بدون آسیب به سطح عملکرد، فرصت برای دانش‌آموزان با پیشینه ضعیف به شکل چشمگیری بهتر است. برابری فرصت در جاهایی که برخی از دانش‌آموزان به پایین‌ترین سطح مدرسه- یعنی

هپشوله^{۱۷} می‌روند، کمتر است.

در مقابل میان ایالت‌هایی که گزامتشولن^{۱۸} (مدرسه‌ای عمومی که در کنار مدارس سطح‌بندی شده وجود دارد) دارند یا ندارند تفاوت چشمگیری در برابری فرصت و سطح عملکرد مشاهده نمی‌شود. وقتی سایر مؤلفه‌ها در نظر گرفته شود، ایالت‌هایی که گزامتشولن دارند، سطح عملکرد پایین‌تری ندارند؛ با این حال، فرارگیری گزامتشولن در کنار انواع مدارس سطح‌بندی شده، به بهبود برابری فرصت نیز کمکی نکرده است.

به علاوه، پژوهش نشان می‌دهد نتایج به دست آمده از مقایسه ایالت‌های آلمان در خصوص توانایی‌سنجی زود هنگام و تعداد گونه‌های مدرسه، در مقایسه با آزمون پیزای سایر کشورهای عضو OECD نیز صدق می‌کند. اگر ایالت‌های آلمان با ۴۲ تا ۵۴ کشور عضو OECD مقایسه شوند، تأثیرات توانایی‌سنجی زود هنگام و تعداد انواع مدرسه در هیچ یک از دو گروه تغییر چندانی نمی‌کند. هر چه در سطح بین‌المللی صدق می‌کند، در مورد آلمان نیز صادق است و این نشان می‌دهد که نتایج بین‌المللی دستخوش مؤلفه‌های میان-کشوری مانند تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و یا ساختار قانونی کشورها نشده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش‌هایی که در این مقاله مورد واکاوی قرار گرفته‌اند، برای بررسی رابطه بین‌المللی میان توانایی‌سنجی با سطح عملکرد و برابری فرصت برای دانش‌آموزان، شکل گرفته بودند. نتایج نشان می‌دهد که:

• پراکندگی عملکرد تحصیلی میان دوره ابتدایی و راهنمایی در نظام‌های آموزشی‌ای که دانش‌آموزان را در این دوره‌ها توانایی‌سنجی می‌کنند و به مدارس سطح‌بندی شده می‌فرستند، بیشتر از نظام‌های آموزشی‌ای است که جامع باقی می‌مانند.

• تأثیر پیشینه خانوادگی بر عملکرد دانش‌آموزانی که دیرتر توانایی‌سنجی می‌شوند، کمتر است.

• پس از توانایی‌سنجی، کشورهایی که انواع کمتری از مدارس سطح‌بندی شده دارند، برابری فرصت بیشتری برای دانش‌آموزانشان ایجاد کرده‌اند.

• توانایی‌سنجی دیر هنگام باعث افت سطح عملکرد نمی‌شود. این تأثیرات معمولاً از لحاظ آماری به سطح معنادار نرسیده‌اند؛ با این حال، در هر چهار پژوهش به بهتر شدن سطح عملکرد اشاره می‌کنند تا بدتر شدن آن.

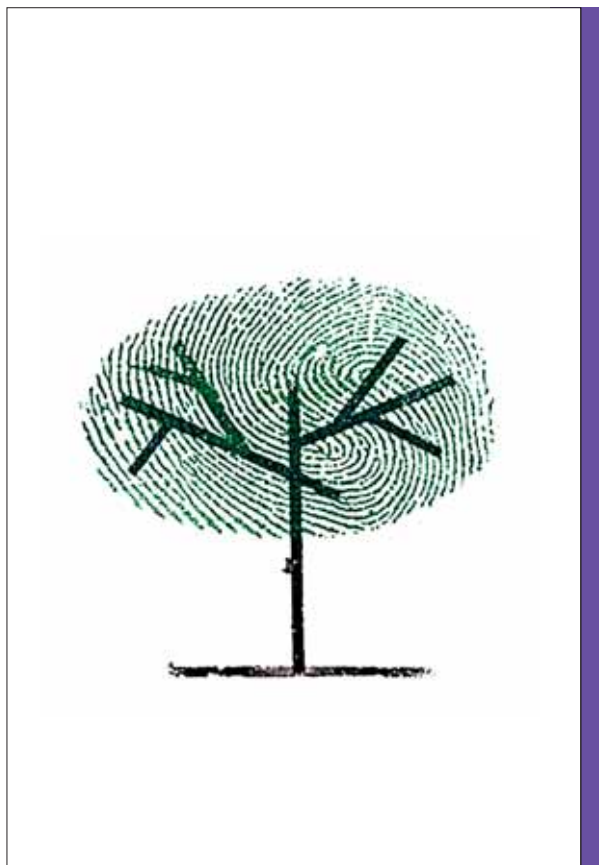
در مجموع، نظام‌های توانایی‌سنجی شده در میانگین سطح

هر چه سن توانایی‌سنجی بیشتر باشد، نابرابری فرصت‌ها به صورت چشمگیری کمتر است.
هر چه دانش‌آموزان زودتر در مدارس سطح‌بندی شوند، عملکرد آن‌ها با پیشینه خانوادگی شان بیشتر نسبت پیدا می‌کند

وضوح نشان می‌دهند که توانایی‌سنجی دیرتر، فرصت‌های برابر بیشتری ایجاد می‌کند و در همان حال، ارتباطی با کاهش سطح عملکرد ندارد. در نتیجه، در نظام آموزشی نیازی به انتخاب میان برابری و عملکرد نیست.

* پی‌نوشت

1. International Evidence on School Tracking: A Review
2. Ludger Woessmann استاد اقتصاد در دانشگاه مونیخ و مدیر گروه سرمایه‌گذاری اقتصاد است. Ifo انسانی و نوآوری در انستیتو پژوهش‌های اقتصاد
3. Organisation for Economic Co-operation and Development
4. آزمون‌های بررسی شده در این مقاله: PISA: Programme for International Student Assessment
TIMSS: Trends in International Mathematics and Science Study
PIRLS: Progress in International Reading Literacy Study
5. برای دیدن پژوهش‌های بیشتر در زمینه فرصت‌های تحول جنبه‌های مختلف نظام آموزشی ر.ک به woessmann (۲۰۰۷c, ۲۰۰۷b.a, ۲۰۰۳) west and wossmann (۲۰۰۹).
6. برای اطلاع از مباحث نظری به (Meier and Schuetz ۲۰۰۸) رجوع کنید.
7. رابطه رشد اقتصادی و متوسط عملکرد تحصیلی در آزمون‌های متعدد بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۲۰۰۰ میلادی با توجه به تأثیر سطح اولیه تولید ملی و سال‌های آموزش تنظیم شده است. در این شکل، هر نقطه نشانگر یک کشور است.
8. این نگاه عملیاتی به برابری فرصت‌ها وام‌دار (Roemer ۱۹۹۸) و نیز (Betts and Roemer ۲۰۰۷) است. این تفکر بر این اصل استوار است که نابرابری فرصت‌ها تا جایی قابل تحمل است که این تفاوت ناشی از میزان تلاش فرد باشد، نه سایر مؤلفه‌هایی که از کنترل فرد خارج‌اند (مثال: جنسیت، قومیت و پیشینه خانوادگی). برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد داده‌ها، روش‌ها و نتایج این تحقیق ر.ک. Schuetz, Ursprung and Woessmann (۲۰۰۸).
9. Ammermuller (۲۰۰۵) نیز براساس داده‌های پرلز و پیزا نتایج مشابهی به دست آورده است. در پژوهش (Waldinger ۲۰۰۷) از ترکیبی از رویکردهای (Schuetz, Ursprung and Woessmann 2008) و (Hanushek and Woessmann 2006) استفاده شده اما به دلیل محدودیت در جامعه آماری (۸ تا ۱۴ کشور) نتایج معناداری از لحاظ آماری به دست نیامده است. Brunello and Checchi (۲۰۰۷) با رویکرد بین‌المللی که در اینجا توصیف شده است، نشان می‌دهد که پس از سنین مدرسه، توانایی‌سنجی تأثیر پیشینه خانوادگی بر درآمد در بازار کار را افزایش می‌دهد.
۱۰. point Estimate
۱۱. ر.ک. به (Woessmann, Luedmann, Schuetz and West ۲۰۰۹).
۱۲. برای اطلاعات بیشتر و روش‌شناسی تحقیق ر.ک. a) Woessmann ۲۰۰۷
13. Brandenburg
14. Berlin
۱۵. متأسفانه ریزداده‌های پیزا به‌گونه‌ای نیست که بتوان از آن تحلیل جامعی در سطح دانش‌آموزان به‌دست آورد. به همین دلیل، ۱۶ ایالت در سطح مشاهدات پیزا-یی بررسی شده‌اند.
16. Control Variables
17. Hauptschule
18. Gesamtchulen



عملکرد دانش‌آموزان با نظام‌های توانایی‌سنجی نشده تفاوت چندانی ندارند.

صحت نتایج بین‌المللی اشاره شده در این مقاله، با مؤلفه‌های موجود در برخی از کشورها نیز تأیید شده است. در راستای شواهد پژوهشی که در میان ایالت‌های آلمان به آن‌ها اشاره شد، در پژوهشی دیگر مشخص شد که در آلمان انتخاب مدرسه با پیشینه والدین نسبت مستقیم دارد و این موضوع در سنین بالاتر باعث تفاوت در درآمد افراد می‌شود. پژوهشی دیگر (۲۰۰۶) که در بخش‌هایی از سوئیس انجام شده، مشخص کرده است که توانایی‌سنجی زود هنگام تحرک بین نسلی را

کاهش می‌دهد. همچنین، در مورد مدارس هلند توانایی‌سنجی باعث کاهش مشارکت و به پایان رساندن تحصیلات عالی می‌شود؛ بدون اینکه روی دانش‌آموزانی که در مدارس سطح بالاتر تحصیل می‌کنند تأثیر مثبتی داشته باشد.

در نهایت، چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح کشورهای مورد بررسی، توانایی‌سنجی زود هنگام تأثیر پیشینه خانوادگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. داده‌ها به

نظام‌های توانایی‌سنجی شده در میانگین سطح عملکرد دانش‌آموزان با نظام‌های توانایی‌سنجی نشده تفاوت چندانی ندارند